

## گنڊ

سعید لیلاز:

### دولت حداقل ۳۰۰ هزار میلیارد تومان ریخت و پاش را کم کرد

● **ایلنا:** سعید لیلاز درباره مبارزه با فساد در دولت یازدهم گفت: روحانی مهم‌ترین گام‌های مبارزه با فساد را در تاریخ بعد از انقلاب برداشته است. این در حالی است که مطابق قانون اساسی دولت وظیفه پیشگیرانه از فساد دارد و برخورد با آن بر عهده نهاد دیگری است؛ اما آقای روحانی تا جایی که توانایی داشته، با قدرت با این پدیده برخورد کرده است و می‌توان گفت عملکرد مقبولی در این باره دارد. در نتیجه سیاست‌ها و برخورد‌ها بوده است که درحال حاضر رقمی نزدیک به ۳۰۰ هزار میلیارد تومان نسبت به دولت قبل دزدی و ریخت‌وپاش کمتری داشته‌ایم.

ادامه از صفحه ۴

### خیال‌بافی ۵۰۰ هزار میلیاردی

**افزایش یارانه نقدی از جیب مردم خواهد بود**



ابودر ندیمی، نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با «شرق» با طرح این پرسش که باید از همه طراحان افزایش یارانه‌های نقدی پرسید محل پرداخت یارانه کجاست؟ می‌گوید: اگر کاندیداهایی که افزایش یارانه را در شعارهای خود قرار داده‌اند، به مردم راست بگویند، محل پرداخت یارانه، جیب مردم است، زیرا! با گران‌کردن هفت حامل انرژی (بنزین، گازوئیل، نفت سفید، نفت کوره، گاز مایع، گاز طبیعی و برق)، درآمدی را تحصیل می‌کنیم و بعد این درآمد بین مردم توزیع می‌شود.او تصریح می‌کند: اگر امروز ۴۸ هزار میلیارد تومان برای پرداخت یارانه صرف می‌شود و بنزین هزار تومان است، با پرداخت سه‌برابری این یارانه‌های نقدی، قیمت بنزین سه هزار تومان می‌شود. بنابراین از آنجا که قانون هدفمندی یارانه‌ها مبتنی بر بازتوزیع است و از محل دیگری مانند درآمدهای حاصل از مالیات و نفت تأمین نمی‌شود، فشار بر مردم بیشتر می‌شود. به‌این‌ترتیب، علاوه بر افزایش قیمت حامل‌های انرژی، شاهد گران‌شدن غیرمستقیم اقلام و خدمات دیگر هم خواهیم بود. بنابراین شعاردادن درباره اینکه یارانه‌ها را سه برابر می‌کنیم، به این معناست که یا باید یارانه چند دهک را حذف کنند، یا اینکه حامل‌های انرژی را گران‌تر کنند تا هزینه مورد نیاز تأمین شود. درباره حذف یارانه‌ها تجربه حذف یارانه‌های نقدی چنین روالی را تأیید نمی‌کند، علاوه بر اینکه جرئت این حذف، در هیچ‌یک از کاندیداهای ریاست‌جمهوری دیده نمی‌شود. ندیمی با بیان اینکه هر گرانی در حامل‌های انرژی چند اثر دارد، می‌افزاید: نخست آنکه فردی که به‌طور مستقیم با حامل‌های انرژی در ارتباط است چه در حوزه حمل‌ونقل و چه در حوزه کشاورزی و صنعت، پول بیشتری باید پرداخت کند. دوم آنکه، تمام خدمات و اقلام وابسته به حامل‌های انرژی گران خواهد شد. به‌عنوان نمونه با تأثیر بر حمل‌ونقل، کشاورزی و صنعت، هزینه تمام‌شده آنها افزایش یافته و به‌نتیج آن، با افزایش تورم، بار مالی بیشتری بر مردم وارد می‌شود و معیشت آنها تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. او ادامه می‌دهد: از تبعات دیگر این اتفاق باید به افزایش تقاضای درآمد در جامعه هم اشاره کرد. وقتی سرپرست خانوار نمی‌تواند هزینه‌های تحمیلی را پوشش دهد، به‌ناچار برای کار جدید وارد بازار کار خواهد شد، اما در مقابل با فشار بر تولید، از سرمایه‌گذاری در این حوزه کاسته شده و اشتغال کاهش می‌یابد و شاهد بی‌کاری روزافزون خواهیم بود.ندیمی با بیان اینکه هر اندازه تولید گران‌تر شود، قاچاق واردات و صادرات بی‌رویه توجیه‌پذیر خواهد بود، تصریح می‌کند: وقتی قیمت تمام‌شده کالا افزایش می‌یابد، واردکننده کالای قانونی و غیرقانونی، به خود اجازه واردات بیشتر می‌دهد. از طرف دیگر سرمایه‌گذاری در این حوزه کاهش می‌یابد، زیرا وقتی قیمت بالا می‌رود و با افزایش قاچاق، تقاضایی برای آن وجود ندارد، سرمایه‌گذار، سرمایه خود را از تولید به بخش‌های نامولد مانند دلالی و واسطه‌گری و انتقال منابع به خارج از کشور سوق می‌دهد. در چنین شرایطی فرصت و رانت برای عده‌ای ایجاد می‌شود که به فساد بیشتر می‌انجامد.این نماینده پیشین مجلس می‌افزاید: با این اقدام، تقاضا و مطالبات مردم نیز افزایش می‌یابد، زیرا نقدینگی در جامعه بالا رفته که خود محرک تقاضاست، اما سمت‌وسوی آن مشخص نیست و ممکن است کالای مصرفی را افزایش دهد که خود به واردات و قاچاق بیشتر می‌انجامد. هرچه مطالبات افزون شود، نیاز به چاپ نقدینگی و انبساط اقتصادی بیشتر می‌شود که خود به تورم دامن می‌زند. بنابراین عمق تخریب‌ها از ناحیه افزایش یارانه‌ها بسیار بالا خواهد بود و این وعده‌ها به ضرر مردم تمام خواهد شد.



مهدی افشارنیک

دو اتفاق در این مدت جریان نفتی‌ها و سیاست را دوباره به هم پیوند زده است. یکی فعال‌شدن آقای رستم قاسمی پس از سه‌سال‌ونیم سکوت و یکی هم همراهی میرکازمی با آقای رئیسی در روز ثبت‌نام. البته ایشان برای چند ساعت هم رئیس ستاد ایشان شدند که تغییر کردند. هر دوی این آقایان که وزیر نفت دولت قبل بودند، در قالب جبهه اصولگرایی فعالیت خود را شدت بخشیدند و با توجه به اینکه هیچ‌کدام خودشان ثبت‌نام نکردند، فعالیت‌های انتخاباتی‌شان در جهت پیروزی شخص دیگری است. آقای میرکازمی که بدون پرده‌پوشی کنار آقای رئیسی در روز ثبت‌نام حضور پیدا کرد، فعالیت آقای قاسمی هم در جهت کاندیدای برتر جمناست که به نظر می‌رسد آقای رئیسی باشد. از این جهت می‌توان از کاندیدای شاخص جمنّا و اصولگرایان راجع به فعالیت‌های این دو آقایان سؤال کرد که آیا رویه گذشته این دو وزیر سابق قرار است در دولت احتمالی آقای رئیسی هم تکرار شود؟ در این خصوص سوالات زیر به ذهن متبادر می‌شود.

۱. آقای میرکازمی مبدع اجرای طرح‌های ۳۵ ماه پارس جنوبی است. این طرح در خرداد ۸۹ با عنوان برطمطراق «انقلاب نفتی» از سوی ایشان و رئیس دولت وقت، با سروصدای بسیار و حمایت‌های تبلیغاتی صداوسیما برپا شد. پیرو همین انقلاب نفتی بود که پروژه‌های میلیار‌دلاری را به شرکت‌های صد‌هزارتومانی دادند که یک هفته قبل ثبت شده بودند. در این انقلاب، قرار بود ۳۵ ماه بعد که مصادف با پایان دولت قبل در بهار ۹۲ بود، فاز‌های در دست اجرای پارس جنوبی به پایان برسد. همان موقع بسیاری از کارشناسان و خبرگان نفتی و حتی اصولگرایان نفتی ابراز کردند که این موضوع بعید است ولی آقای میرکازمی نه‌تنها گوش نداد که منتقدان را به بدخواهی و سیاه‌نامی متهم و حتی آنها را از پست‌های مدیریتی عزل کرد (نمونه مسعود سلطانپور) اما سرانجام این ادعا هم مانند بسیاری از حرف‌های دیگر دولت قبل روشن شد؛ پروژه‌ها در ۳۵ ماه که حتی در مدت دو برابر آن هم به ثمر نرسید، ولی آقای میرکازمی ضمن اینکه خودش واقعیت اجرای پروژه‌ها را غیرواقعی نشان داد، رئیس دولت را هم به این وادی کشانده بود و عنوان انقلاب نفتی را در دهان احمدی‌نژاد هم گذاشت. حالا از آقای

## اقتصاد



تبعات به‌کارگیری مدیران نفتی احمدی‌نژاد چه خواهد بود

# ۵ سؤال نفتی از آقای رئیسی

رئییسی سؤال داریم که توصیفات و تحلیل‌های آقای میرکازمی از شرایط سیاسی و اقتصادی کشور تا چه حد در راسخ‌شدن شما برای به‌صحنه‌آمدن مؤثر بوده است؟ دوستانه توصیه می‌کنیم که در این خصوص دقت بیشتری کنید و به سرنوشت «انقلاب نفتی» که نسیم نفتی هم نبود، بیشتر دقت کنید.

۲. آقای رئیسی از توقف سوآپ در سال ۸۹ خبر دارید؟ آقای میرکازمی به شما گزارشی داده است که چه کرد و چه موقعیت خاصی را از ایران گرفت که صادرات مجدد و ترانزیت روزانه ۱۲۰ هزار بشکه نفت همسایگان از کشور دریغ شد که صدمات مالی زیادی به بار آورد. دقیق مشخص نشد ایشان بر چه پایه‌ای این اقدام را کرد. جایی که بدنه و بین‌الملل شرکت نفت به‌شدت با این موضوع مخالف بودند ولی میرکازمی یک‌تنه آن را اجرا کرد. در واقع به دست خودمان، خودمان را در منطقه تحریم کردیم. این خودتحریمی چه معنایی دارد؟ با توجه به نزدیکی ایشان به آقای رئیسی بیم این نمی‌رود که دولت ایشان نیز، دولت خودتحریم است و موقعیت‌های خاص اقتصادی و تجاری را که برای کشور فراهم است با دست خود ویران می‌کند؟ کار و کرامت که شعار دولت ایشان است، با این مدل خودتحریمی‌ها چه سبستی دارد؟

۳. خروج متخصصان نفتی یکی از مهم‌ترین تأثیرات حضور آقای میرکازمی در نفت بود. چوب این خروج و تغییرات حتی اصولگرایان نفتی مانند مسعود سلطانپور و سیف‌الله جشن‌ساز را دربر گرفت. جابه‌جایی حدود ۲۰۰ مدیر نفتی از خدمات ایشان به نفت است. ایشان گوین برای انقلاب‌کردن در صنعت نفت نه در اجرای پروژه که برای زیورورکردن و جایگزینی افراد از فروشگاه رفاه به پست‌های مهم نفتی آمده بود. خرج متخصصان در دوره ایشان داستانی است پرشک و آه، از آقای رئیسی باید پرسید واقعا بعدند شما با متخصصان قرار است همان برخوردی را بکنند که میرکازمی با نفتی‌ها کرد؟ ایشان قدم‌به‌قدم شما

ولی میزان اغراق این‌قدر گسترده و دور از واقع است که همان بهتر درجا باور کنیم این حرف کاملا درست است و کندوکاوی در آن نکنیم که هر ذره دقت، ناامیدی بیشتری از دل‌خوش‌کردن به سخنان این تیپ مستولان به همراه می‌آورد. حال سؤال اینجاست که آقای رئیسی با مشاوره این افراد به کارزار انتخابات آمده است؟ و قرار است با این تیم که یک بار ثمرات خود را به جا گذاشته است دوباره کشور را اداره کند؟

۵. از دیگر ثمرات دوران آقای قاسمی در نفت، فروش نفت به بایک زنجانی بود که هم‌اکنون کشور را درگیر خود کرده است و پس از گذشت چند سال هنوز پول‌هایی که بابت فروش میعانات نفتی و نفت ایشان به نفت بدهکار است، به خزانه کشور بازنگردانده است. آقای رئیسی به دلیل معاونت ریاست قوه قضائیه در این خصوص بهتر از هر کس می‌داند که چندوچون این ماجرا چه بوده است. آقای قاسمی سه‌سال‌ونیم در این مورد هیچ نگفت. چند نفر از مدیران ایشان به محکمه رفتند و مدتی گرفتار بودند اما ایشان در این خصوص مسئولیت‌پذیری از خود نشان نداد، در صورتی که ایشان به عنوان وزیر نفت مسئول اتفاقات رخ‌داده در وزارت تحت امر خویش بود. فروش نفت هم مسئله‌ای ساده نبود که ایشان در جریان آن قرار نداشته باشد. این هم از آثار دوران سخت تحریم است و راهکار فاقد پشتوانه‌ای بود که مدیران سابق در این خصوص اندیشیدند. اما چرا بعد از آن مسئولیت رفتار خویش را به گردن نمی‌گیرند. جالب است که آقای قاسمی می‌گوید مسئله بایک زنجانی ریسک بود. یعنی ایشان بار ریسک این موضوع را برداشته است این در حالی است که قوه قضائیه که آقای رئیسی معاونت آن را تا یک سال پیش عهده‌دار بود نظر دیگری دارد و زنجانی را محکوم به اعدام کرده است. شکاف بین این دو نظر در جمنّا و اصولگرایان از چه روست؟ آقای رئیسی به عنوان شاخص و کاندیدای مطرح این جریان به تبعات این دوگانگی اشراف دارد؟ در واقع ایشان به تبعات به‌کارگیری تیم نفتی احمدی‌نژاد آگاه است؟ مدیرانی که در وقت تنگی شعارهای شیرین می‌دهند و به وقت نتیجه همان سختی‌ها را بهانه می‌کنند و اتفاقا دستاوردهای دولت بعدی را از آن خود می‌دانند. افکار عمومی مسئله‌اش با این دوگانگی‌ها روشن است. چنانچه آقای میرکازمی در انتخابات مجلس اقبالی نیافت، آقای قاسمی هم خود را در معرض رای مردم قرار دهد موضوع روشن‌تر می‌شود، اما آقای رئیسی به تبعات این نوع چپش و مدیریت آگاهی دارد؟ فعال‌شدن این دو چهره نفتی دولت سابق و نزدیکی به آقای رئیسی این سوالات و ابهامات را برای ایشان رقم می‌زند.

## خبر

### کارخانه‌ای که در دولت یازدهم احیا شد

● **ايرنا:** وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: کارخانه لاستیک البرز ازجمله واحدهای تولیدی بود که در نتیجه خصوصی‌سازی غلط در معرض نابودی قرار گرفت؛ اما با سیاست‌های دولت یازدهم و همیاری کارگران این واحد احیا شد. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در بازدید از کارخانه تولید لاستیک البرز گفت: تلاش می‌کنیم در سال جاری که به نام «اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال» نام‌گذاری شده است، مشکلات واحدهای تولیدی را از جمله کمبود نقدینگی که مهم‌ترین دغدغه است، رفع کنیم.وی با اشاره به اینکه محصولات این کارخانه از بازار فروش خوبی برخوردار است، افزود: اگر حمایت‌های لازم از مدیریت کنونی کارخانه صورت گیرد، شاهد استمرار فعالیت آن و واحدهای مشابه و حفظ فرصت‌های شغلی موجود خواهیم بود.ریعی با تأکید بر اینکه دولت برای حفظ فرصت‌های شغلی از واحدهای صنعتی حمایت می‌کند، افزود: با مساعدت مدیران سازمان تأمین اجتماعی تاکنون برای ۶۰۰ نفر از کارگران قدیمی لاستیک البرز حکم بازنشستگی صادر شده و در ازای این اتفاق تاکنون حدود ۴۰۰ کارگر جدید جذب این واحد تولیدی شده‌اند.کارخانه لاستیک البرز (کیان تایر) که نخستین بار در سال ۱۳۳۷ و با نام بی‌اف‌اگودریج، فعالیت خود را در زمینه ساخت تایر خودرو آغاز کرده بود، هم‌اکنون بالغ بر هزارو صد کارگر دارد.به گفته کارگران، فعالیت این واحد تولیدی در سال‌های میانی دهه ۸۰ و در نتیجه خصوصی‌سازی غلط، تا مرز انحلال پیش رفت؛ اما در نتیجه هوشیاری کارگانش اکنون به فعالیت خود ادامه می‌دهد. بر پایه این اظهارات، اکنون چند سالی است که مدیریت صنعتی از عهده مالک خصوصی آن سلب و به هیئتی مرکب از کارگران این واحد صنعتی واگذار شده است.یکی از این کارگران با نشان‌دادن نمونه لاستیک‌های تولیدشده این واحد صنعتی گفت: در یک سال گذشته توانستیم انواع لاستیک مورد نیاز خودروهای راهسازی را که پیش‌ازاین از طریق واردات تأمین می‌شد، در این کارخانه تولید و در بازار مصرف عرضه کنیم.وی بیان کرد این کارخانه زمانی اولین واحد تولیدی لاستیک خودرو در منطقه خاورمیانه بود که با اشتباه مدیران گذشته تا مرز تعطیلی پیش رفت اما خوشبختانه با اعتراضات صنفی کارگری از وقوع این اتفاق جلوگیری شد.

# به زودی...

یادداشت

## لزوم تحریک جامعه برای کنش عقلایی



علی قنبری

انتخابات ریاست‌جمهوری به آخرین گام خود یعنی تعیین وضعیت تعداد رقیبا و آغاز رسمی تبلیغات رسیده است. افسون‌زدایی، توهم‌زدایی و جلوگیری از اشاعه شعارهای عوام‌فریبانه و پوپولیستی باید از عمده تکالیف کاندیداهای ریاست‌جمهوری باشد. تحریک جامعه برای کنش عقلایی به شعارهای اقتصادی مانند توزیع اقلام نقدی بیش از پتانسیل تأمین مالی دولت منتخب ازجمله مهم‌ترین مسائل هر انتخاباتی در جوامع رو به رشد و توسعه است. مردم و رسانه‌ها باید عملکرد واقعی اقتصاد را در دولت‌های مختلف به تصویر بکشند و با نگاه واقعی به سیر تحولات اقتصادی کشور ببینند دولت‌هایی که بالاترین درآمدهای نفتی را داشته‌اند، یعنی دولت نهم و دهم چگونه در برخورد با این درآمدها و تبدیل آن به ثروت و سرمایه ملی و رویکرد صیانتی، ناتوان و ضعیف عمل کردند. درحالی‌که دولت‌های اصلاح‌طلب در دوران ریاست‌جمهوری خود همواره چرخه‌ها و سیکل‌های رکود را به رونق بازگردانده و در امر تعدیل و تثبیت اقتصادی موفق عمل کرده‌اند. متأسفانه این روزها شعارهای اقتصادی مبنی بر لزوم پرداخت یارانه‌ها به صورت دلار و غیره مطرح می‌شود که به نفتی‌ترکردن جامعه و تزریق نفت از دولت به مردم و تعمیق اقتصاد نفتی دامن می‌زند. این نوع شعارها باید با دقت بالا برای جامعه تبیین و عواقب آن توضیح داده شود و این موضوع و فرصت تبلیغاتی باید در راستای افزایش درک جامعه از شرایط اقتصادی کشور و لزوم افزایش بهره‌وری نیروی انسانی که از جدی‌ترین مشکلات اقتصاد ایران است، بهره گرفته شود. از جدی‌ترین آسیب‌های هر انتخاباتی رای‌دادن به شعارها و برنامه‌هایی است که سیاست‌های اقتصادی آن می‌تواند از جنس درمان‌های کوتاه‌مدت و موقت باشد و در ضمن انحراف افکار عمومی و اصلاح سطحی، به زیرساخت‌های اقتصادی آسیب زده و از چشم‌انداز و اهداف میان‌مدت و بلندمدت دور شود یا می‌تواند با ترکیبی از درمان موقت و سیاست‌های

## ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE  
@SHARGHDAILY.IR

